

سنگ اول

قصه شب های بالاکشی!

یکی بود، یکی نبود؛ یه هپلی بود که بی‌خواب شده بود. دست خودش که نبود، باب شده بود. همه تا بوق سگ نه، تا خروس‌خون با چشای ورقلمبیده، مثل آدمای تازه به دنیا رسیده، بیدار و جون‌یه‌سر بودن. هر چی می‌گفتن «بکپ» انگار نه انگار، کربودن!

پریا دیدن هپلی خیلی کلافه است. توی روستاشون هم که نه سینما، نه سالن تئاتر، نه کافه است؛ که بره اونجا تلپ باشه، خب حق داره هپلی دپ باشه. پریا پرکشیدن رفتن سراغ هپلی. طفلی از جاش پرید و کپ کرد، نیمه شبی. پرسید: شما دیگه کی هستین این وقت شب؟ یه سرفه‌ای، یه صدایی، اینه رسم ادب؟ گفتن: ما پریای قصه‌ایم بابا! چرا نمی‌فهمی فرق دوغ و دوشابا! اومدیم برات کاری کنیم. بعدم پر و پوتمون رو جمع کنیم و بریم. یه پری بشکنی زد و چرخید. هپلی، طفلکی گرخیدا پری یه جعبه رو دستش داشت. برد و روی کرسی گذاشت. گفت:

ببا پسرما! این به تلویزیونه. الهی بی‌زن و تلویزیون نباشه هیچ خونه! پری تلویزیونو روشن کرد. جعبه‌ای پر از نورای بنفش و قرمز و زرد، هر چی این کانال، اون کانال می‌زد، هپلی چشمش نمی‌گرفت، خوشش نمی‌اومد. برنامه‌اش درباره هیپوتالاموس بود. اون یکی کانال که شاس و شوس بود.

هپلی گفت: تو که می‌تونی تلویزیون بیاری، واسه برنامه‌هاش هم بکن یه کاری، که یه نموره سرگرم بشم. از تاب و تب بیفتم، نرم بشم، دو تا فیلم خوب بذاره. چه برنامه است که این داره؟ پری سرش رو کمی خاروند. نمی‌دونست چی بگه؟ موند! گفت: می‌تونم احضار کنم ابر و بارون و برف و باد. ولی این یکی از دست من برنمیاد!

اون یکی پری بشکنی زد و چرخید. هپلی، طفلکی گرخیدا پری یه چیزی شبیه گوشت‌کوب داشت. برد و تو دست هپلی گذاشت. گفت: ببا پسرما! این به تیلیفونه. الهی بی‌زن و تلویزیون و تیلیفون نباشه هیچ خونه! یه تیلیف بزَن به تلویزیون، بگو «چونه ببا این برنامه‌هاتون؟!» اول درخواست رو بگو. بعدش بشین پاش و دلخواهت رو بگو. هپلی فکر کرد، خبریه! گوش کرد به حرف پریه. تیلیفون زد، یکی برداشت. هپلی بنای شکایت گذاشت. گفت: ببینم الان مدیرتون خوابه؟! آقاهه گفت: خوابه! هپلی گفت: مدیر بخش‌تون خوابه؟! آقاهه گفت: خوابه. هپلی گفت: خوبه که خوابن همه، این وضعیت دلخواهمه. ببا یه حرکت بزَن، این چیزا که الان داری رو خط بزَن. عیار کارو ببر بالا. الان وقتشه، همین حالا! نگو هپلی زنگو اشتباه زده بود. دو زاری هپلی نیفتاده بود. اونجا کارخونه خودروسازی بود. جای انداختن و قالب‌اندازی بود! آقاهه بدشم نیامده بود، راضی بود. بعد از همون تیلیفونه، قیمت خودروهاش رو بالا کشید شبونه.

جلدی رفت نشست تو تیولویزیون، با چشای خواب‌آلود، سر و روی پریشون، نطقشو بیافزاید، گفت: راستشو بخواین واسه ما نمی‌صرفید، چرخای کسب ما نمی‌چرخید. با تقاضای شما مشتریان! مردم خوب اهل سود و زیان، شبانه یک حرکت زدیم، حالا بازم بگین که ما بدیم. اصلا این‌جوری ما از خودروهای گرون خارجی، با یه کار ساده اچی‌مچی‌لاچمی! اساسی بی‌نیاز می‌شیم. مبدل اردک به غاز می‌شیم! قیمت خودروهامون رو بالا می‌کشیم، که ما هم صاحب خودرو خفن باشیم. دیگه خودرو گران خارجی نخرین، همین چیزمیزی

گرون خودمون رو بخرین!

پریا تازه فهمیدن چه گندی زدن. به هم دیگه یه پورخندی زدن. هپلی هم تازه دوازاش افتاده بود. به پریا گفت که «زاییدین! چی می‌شد شما هم شبا می‌خوابیدین؟ حالا دست بجنبونین، یه کاری کنین، این قیمتمو برگردونین.» پریا گفتن: کاری بگو که شدنی باشه، تلفن زدن بهترین راشه. یه تیلیف بزَن به کارخونه، بگو «چونه، قیمتا چرا چونه؟!»

هپلی چشمش ترس کرده بود، دست و پاهانش حسایی لرز کرده بود. فهمید کار زافزاته شب بیداری. اگرم خواب به چشمش نیومد، صد سال از پری و فرشته و سیمرغ نگیرد یاری.

شب بهت‌ره همگی خواب باشن، تا اینکه سر گرم بچاپ بچاپ باشن!

یکی از خودرو سازان شبانه قیمت خودروها را دوباره افزایش داد



طرح: محسن ارزوی

هفت سنگ

می‌کنیم، اولین گزینه‌ای که همیشه روی میز مسئولان هست و خودش را سیر بلای مسئولان و شمشیری در قلب مصرف‌کنندگان می‌کند، همین گزینه گران‌کردن است. وقتی گران می‌شود مصرف بی‌رویه که کار خیلی بدیه، تبدیل به مصرف با رویه می‌شود که احتمالا کار خیلی خوبی هم هست!

● **کاهش تلفات جاده‌ای:** هر چه پلیس راهور و مسئولان امدادی کشور می‌گویند خودروهای داخلی و گل سرسیدشان، پراید عزیز به اندازه سقوط روزانه یک فروند هواپیما تلفات جاده‌ای دارند، شمای مصرف‌کننده لچبازی می‌کنید و با اینکه پول خرید پورش و بوگاتی را دارید، باز هم می‌روید پراید می‌خرید. بنابراین وقتی خودتان به فکر افزایش امید به زندگی‌تان در

جاده زندگی نیستید، مسئولان مجبورند باوجود میل باطنی‌شان، چند باره فیتیله قیمتش را بالا بکشند تا شاید همین‌طور که فاصله قیمتی‌اش با خودروهای لوکس خارجی کم و کمتر می‌شود، شما هم به خودتان بیایید و خودروهای

ایمن‌تری بخرید.

● **افزایش اعتماد به نفس:** شمایی که کف حقوق پایه را می‌گیرید، چرا باید در کف خودروهای لوکس خارجی باشید؟ اینجاست که مسئولان دلسوز وارد عمل‌شده و یک‌شبه خودرو پراید شما را که باعث شرمساری جلو ر و همسایه بود و کسی محل بوق هم به شما نمی‌گذاشت، به یک خودرو لوکس و لاکچری تبدیل می‌کنند که داشتنش آرزوی هر پیر و جوانی است. طوری که وقتی خودتان می‌روید

جمعه بازار یا داخل نرم‌افزار دیوار قیمت‌هایش را می‌بینید گل از گلستان می‌شکفتد و امپر اعتمادبه‌نفس‌تان به سقف می‌چسبد!

● **افزایش قدرت تحلیل اخبار:** دیگر وقتی پول شما حتی به خرید پراید هم نمی‌رسد و ناچار با وسایل حمل و نقل عمومی این طرف و آن‌طرف می‌روید، هم به کمتر آلوده‌شدن هوا کمک می‌کنید، هم از اوضاع کشور و جهان و تحلیل رایگان اخبار روز استفاده می‌کنید، مثلا در تاکسی هر خبری که رادیو اعلام می‌کند، بلافاصله با چند ناسزای ابدار آقای راننده روبه‌رو می‌شوید که معتقد است هم‌اش کار خودشان است! اما اگر در پراید‌تان تنها نشسته باشید که نمی‌توانید این‌قدر سطح تحلیل اخبار‌تان را بالا ببرید؟

● **آشکارشدن تخفیف‌های ویژه:** الان فکر می‌کنید که خودروها خیلی گران شده؟ کافیت به قیمت‌های سال قبل نگاهی بیندازید و مقایسه کنید که سال قبل چقدر ارزان‌تر بود، همین مقایسه را سال بعد با امسال خواهید کرد و افسوس خواهید خورد که چرا زودتر خودرو نخریدید؟! کلا شیب قیمت خودروها در کشورمان طوری است که نقطه مطلوب از نظر خودروسازان، همان‌طور که با گوشه و کنایه سعی می‌کنند حالی‌مان کنند، پراید ۱۲۰ میلیونی است! بنابراین این قیمت‌هایی که الان هست و حتی بعدا بیشتر هم خواهد بود، در مقایسه با بعدترهایش خیلی هم ارزان و با تخفیف ویژه است، بنابراین تا دیر نشده، بدو جراحش کردن!



مجتبی نخعی‌راد